

با پیروی از دستورات جاویدان مکتب اسلام ممکن است و هیچ مکتب دیگری نمی‌تواند انسان را از ستم و ظلم مستکبران و جباران نجات دهد... از آن رو که فلسفه بعثت انبیا اقامه قسط و عدل به منظور تکامل انسان و سعادت ابدی اوست و این هدف بزرگ جز در سایه قانون حق و حاکمیت خداوند تحقق پذیر نیست لذا هر مسلمان، مکلف به جهاد در جهت تحقق حاکمیت حق است.»

همچنین وی در همین همایش در خصوص وحدت اسلامی و هویت اسلامی می‌گوید: «اسلام از دیدگاه گروه گرایان همچون ادیان متعددی جلوه می‌کند که هیچ کدام اسلام دیگری را قبول ندارد و بدین گونه استعمار بازی شیطانی خود را از روزنه این ذهنیت پیچیده و درهم و واقعیت متزلزل و ضد و نقیض وارد کشورهای اسلامی می‌کند و پایگاهش را در نظام‌های حکومتی و قانونگذاری آنها و در فرهنگ و سیاست و اقتصاد و... مستحکم می‌سازد تا شخصیت اسلامی آنان را به شخصیت پریشان و ناهنجار بدل سازد.» و در ادامه در سخنانی که حاکی از عمق نظر و بصیرت اوست، می‌گوید:

«ملت مؤمن و مجاهد افغانستان، امریکا را نیز دشمن اسلام و مسلمین می‌دانند.... برادران عزیز! کشور عزیز ما افغانستان اکنون پس از ۱۱ سال جهاد خرابه‌ای بیش نیست اما بازسازی و اعمار مجدد این سرزمین مظلوم موضوع دیگری است که با استفاده از آن استکبار جهانی دام‌های بزرگی را گسترده است. فعالیت لجام گسیخته مؤسسات خارجی در داخل کشور کانال توطئه‌گرانه استعمار جهانی است... ملل و دول کشورهای اسلامی باید بدانند که یگانه راه نجات از تسلط بیگانگان و به دست آوردن مجد و عظمت تمدن اسلامی در تداوم خط جهاد و پیروزی انقلاب اسلامی نهفته است که ملت‌های قهرمان افغانستان و ایران مثال‌های جاودان آن به شمار می‌روند و راه تشکیل امت واحده نیز در استفاده از این الگوها قرار دارد...»

مولوی نصرالله منصور در همایش ۱۰ مهر ۱۳۶۸ تهران نیز مجدداً حاضر شده و هوشمندانه اشاره می‌کند که:

«دشمنان انقلاب اسلامی ما برای رسیدن به اهداف پلید خود برنامه‌های متعددی از جمله محاصره تبلیغاتی و برانگیختن عصبیت‌های قومی و نژادی و تفرقه‌های گروهی را به کار گرفته و از راه مال، توزیع ثروت و اسلحه، ارسال جواسیس از راه مؤسسات تنصیری و صهیونیستی و... تمام امکانات خویش را در این جهت استفاده می‌نمایند. آری، ما به رغم توطئه‌های بی‌شماری که علیه اسلام و مسلمانان صورت می‌گیرد به یاری خدا امید بسته‌ایم و ارزش‌های الهی چون جهاد، ایثار و شهادت تبعیت می‌کنیم.»

در خاتمه این یادداشت مناسب است که به این موضوع نیز بپردازیم که در سال ۱۳۶۸ و به هنگام رحلت حضرت امام (ره) مولوی نصرالله منصور برای تسلیت گفتن به خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران می‌رود ولی بنا به گفته مسئول وقت خانه فرهنگ (آقای نجفی) شدت تأثر و انقلاب روحی شهید منصور چنان بوده است که کار برعکس شده و ایشان مولوی نصرالله را آرام می‌سازد!

شهید منصور پس از انتشار وصیت‌نامه امام سریعاً آن را به پشتو ترجمه کرد و آن را در پیشاور منتشر ساخت و بین مهاجران افغانستانی و اهالی شهر پخش کرد.^۴ روحش شاد و راهش پررهرو باد.

پی‌نوشت:

۱- مصباح‌زاده، سید محمدباقر، دانشنامه سیاسی افغانستان، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۲، صص ۱۸۷-۱۸۶.

۲- رجایی، محمد سرور، در آغوش قلب‌ها، تهران، راه یار، ۱۳۹۸، ص ۸۰.

۳- متن این سخنرانی‌ها به صورت یک جزوه تایپ شده و پلی کپی شده نزد نگارنده موجود است.

۴- رجایی، پیشین، صص ۸۰-۸۱.